



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۱۱/۲۴

داکتر صلاح الدین سعیدی

ادامه شرارت پاکستان،

آیا داکتر غنی راه حل است؟

ابعاد، انگیزه و دلایل اقدامات و عملکرد حاکمیت پاکستان در قبال مردم ما و افغانستان در کل و حال برای تغییر نظام و حاکمیت در افغانستان واضح بود و هستند!

این وضاحت در منطق سخن و شواهد عینی دارند! پاکستان برای افغانستان حاکمیت قوی متکی به خود نمی خواست و نه میخواهد! دقیقاً پاکستان برای افغانستان هیچ حکومت نمی خواهد!

پاکستان جهاد مقدس مردم افغانستان را برای اهداف خو استفاده کردند (جهاد افغانستان دفاع پاکستان- ضیاء الحق قائل دهها هزار غرب فلسطین در اردن).

پاکستان جزایر مختلف طالبان را در زمان حضور زمینی آمریکا و ... همراه با ٲٲ ٲٲ و تمام تروریستان قابل دسترس و ملیشای اردوی خود علیه جمهوریت در افغانستان بسیج کرد و در ظرف ۵۰ سال گذشته اعمال مشابه را مرتکب شده و قوت داده است.

ستون پنجم پاکستان در بین جهادیان و فریب های متعدد سیاسی و تروریستی شان، همراه به دروغهای شاخدار، پر رویی خاص پاکستانی و مسخره آند!

در اواخر جمهوریت تعداد زیادی از نیرو های سیاسی و نظامی موجود در جمهوریت افغانستان از نیرو های شمال را فریب کشنده دادند که دیگر از جمهوریت دفاع نه کنند و تأکید داشتند که در آینده افغانستان بعد از جمهوریت ایشان (عده زیادی از دزدان سر گردنه)، و طالبان شریک خواهند بود! در بهیو حه سقوط جمهوریت سفر عده زیادی از ین رهبری نیرو های شمال به پاکستان، اظهارات علنی مقامات از جمله جنرالان و ملکیان بلند پایه پاکستان، به شمول صدراعظم عمران خان، اقرار صریح خنجانی معاون د. عبدالله عبدالله، اعترافات اخیر علنی سفرکننده های طیاره به پاکستان، در بهیو حه سقوط جمهوریت و عمل کرد عینی پاکستان و تجارب گذشته ای ایشان در بیشتر از ۵۰ سال اخیر در قبال افغانستان، و اینکه پاکستان میداند در ملک غیر به صورت غیر مشروع ایجاد شده و ترکیب نا متجانس و غیر طبعی به نام پاکستان و بالاخره تجارت پر در آمد خون و باروت، ترور و دهشت پاکستان و ... همه و همه هیچ شک و تردید در تخلفات و عملکرد واضح ضد افغانی و ضد افغانستان از جانب پاکستان نمی ماند

در عملکرد اخیر پاکستان در قبال طالبان افغان مبنی بر تلاش مجدد نظام براندازی پاکستان در افغانستان شک و تردید داشتن و یا آنرا مشکوک خواند برداشت درست از قضایا نیست!

درین رابطه با سبک و سنگین کردن مسایل له ضد ترور، دهشت و تجاوز خارجی دشمن پاکستان قرار گرفتن وجبیه هست!

شک و تردید در مورد دشمنی تاریخی حکام پاکستان در قبال افغانستان خامی سیاسی و یا اجیر بودن دشمن هست! برداشت درست نیست که گویا پاکستان حالا به اشتباه خویش در قبال پشتیبانی از طالبان حال متوجه شده که گویا ترور و دهشت و صدور آنرا باید نمی کرد و این سیاست را گویا حالا اشتباه میداند! پاکستان میدانست و میداند چه میکند، ولی محاسبات اش اینبار به خطاء رفت و دارد که این آتش ریش خودش را گرفته!

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خبر و لولی

این پاکستان بود و هست که تورخم را به میل خود باز و بسته میکند و حال افغانستان الترناتیف دارد و باز کردن باید بدون بسته کردن با نظارت ناظران جهانی توافق شود! در غیر آن دروازه تا سقوط غده سرطانی به نام پاکستان باید بسته بماند!

پاکستان ایجاد ترور و دهشت را در تباری با جهان در زمان جنگ سرد و به دستور ابرقدرت های جهان کرد، در ایجاد جلسات مؤسس جنبش طالبان و یا بهتر بگویم در تقویت و رونق دادن حرکت طالبان قرار اظهارات افراد دست اول، تیم جناب حامد کرزی (برای من در یک مصاحبه رویاروی تایید شده! بعد از سقوط حاکمیت جانبدار روسها در افغانستان و سقوط دادن ح حزب د خ ا ، در افغانستان و جهت حل (قلع و قمع کردن) مجاهدین کشورهای عربی که درد سری برای کشورهای عربی و از جمله حاکمیت متحابه عربستان سعودی بود، پروژه پول سعودی، برنامه امریکایی و مجری بودن پاکستان روی دست گرفته شد و حرکت طالبان به توافق و یا عدم توافق طالبان تقویت شد تا مجاهدین سرکش و خطرناک برای کشورهای عربی و خانواده آل سعود، مهار، جهادیون کشورهای عربی خطر برای حکومت متحابه، قلع و قمع و نیروی جهادی قابل کنترل برای اهداف بعدی در افغانستان و منطقه تقویت شود!

استدلال تروریستان خوب و بد را و آن قصه نشست سران استخبارات امریکاء، پاکستان و افغانستان را جناب امرالله صالح خود به یاد دارند و مطبوعاتی ساخته بودند مه پاکستان چه نقش مکار بازی میکرد! تأکید جانب پاکستان که ما تروریست خوب و بد داریم و شما آمریکاییان از منطقه میروید و ما هستیم که این نیروها را برای تحقق وظایف سپرده برای شما، بکار خواهیم گماشت!

پاکستان خطرات بازی با آتش را میدانست و میداند! پاکستان با ایجاد دهشت و ترور و تی پی هزاران هزار افراد و اشخاص آزادی بخش ملی پشتون، بلوچ ، سرایکی و هر شخص غیر مطلوب برای پاکستان را سر به نیست و شهید کرد!

پاکستان توانست در ابتدای حاکمیت دور دوم طالبان در افغانستان با دادن فکر کاذب توانمند شدن طالبان افغان، از ایشان در مذاکرات تی پی با پاکستان در هوتل انترکانتننتال مستند سازی کند و به جهان نشان دهد که مخالفین مسلح پاکستان در همیاری با طالبان افغان آند و این کدام معمای نبود، چون پاکستان این را خود تنظیم کرده بود! پاکستان خود میداند که در ۵۰ سال گذشته خود ترور و دهشت تربیت و به افغانستان و جهان اعزام کرده ولینک تقریباً هر عمل تروریستی و هزاران ترور و دهشت در افغانستان و جهان، مستقیم و غیر مستقیم به پاکستان و سیاست پاکستان متوسل شده و داشت و دارد!

حالت چنین آمد که اگر جهان به نسبت حضور خود در افغانستان، دست از سیاست قبلی استعمال دین علیه مخالف برداشت، جزایر قدرت و تریزران ترور و دهشت در پاکستان تجارت دیگر غیر ازین را در زندگی نمی دانستند و کرنیل امام ها، همان را ادامه دادند که میدانستند و مراجع متقاعد امنیتی به شمول پرویز مشرف این را اقرار دارند! جهان و آمریکا این را خوب میداند!

لذا ادعا کردن که حال پاکستان به آتش میسوزد که خود روشن کرده و قبل نمی دانست و حال فهمید، یک تأکید نادرست و خطاء هست!

عمل کرد آن وقت و این وقتش، کاملاً حسابی، دقیق، سنجیده شده و روشن هست! شک و تردید در آن وجود ندارد! دروغ صریح، بهتان (گوینده خود به کذب سخن خود آگاه) و هیچ شک و تردید در کذاب بودن و دورویه بودن سیاست و عملکردهای پاکستان نیست!

کار جانب افغانی و خیر خواهان در موارد یا غلط بود و یا کم کار و در موارد غیر دقیق و غیر مؤثر بود و هست! چرامکار و کذاب (استابلشمنت پاکستان) میتواند با کذاب بودن به جسارت و دروغگویی و اعمال شرارت خود ادامه میدهد و نیروهای عدید ملی و وطنخواه کار برای توقف و بی تأثیر کردن نمی تواند؟

یکی ازین عدم دقتها اخیراً تمرکز براین هست که بازگشت داکتر اشرف غنی حل معضلات افغانستان هست و یا خیر؟ کی باید از ایشان دعوت کند و این مردم که جناب غنی از دعوت شان صحبت دارند ، کجا و چطور میتوانند این دعوت را به عمل آورند که معضل حل شود؟ خون ریخته شده سرباز وطن در دفاع از جمهوریت چطور شد که قومندان شان ایشان را به ترحم مخالف بی قومنده گذاشت و ایشان در موارد این سرباز را ذبح کردند؟! جواب به این همه سؤال اجاب تیزس بزرگ عملی میکند اما من به یک مسأله تمرکز میکند و آن:

بازگشت داکتر اشرف غنی به افغانستان راه حل هست و اگر هست در کدام و چه مقامی؟

به فهم من بازگشت سخت خطرناک و قبل از همه برای داکتر غنی هک کشنده و هم تاریخی هست! من شخصاً برای شان بازگشت فیزیکی ایشان را به افغانستان سفارش نمی کنم! نه تنها که پروفیسور محمد اشرف غنی، بلکه هیچ فرد، حزب و مرجع منفرد دیگر و نه طرز تفکر رهبری قوی و دیکتاتوری حاکمیت ساتور نمی تواند مشکل افغانستان را حل کند!

نه یتیم و بسیر گیم باز میراثی، نه خسرش، نه حکام و تفنگ سالار دیروز و نه امروز.
نه تاجر قوم و زبان دیروزی و نه هم متکی به ای اس ای پاکستان و نه کبار کننده های اردوی افغانستان و نه هم
خاینین که به خط دیورند (وجود ندارد) را به رسمیت شناسی و خدمتگذاری به پاکستان کنند!
نه اتکا کننده ها به استخبارات خارجی! و نه هم تکرار بن جدید و نه بازگشت مسلحانه ناممکن امریکا و نه اردوی و
مرتد پاکستان!

خبر چاره چیست؟
با توکل به الله متعال در حل معضل، مشکل و بیرون رفت از تراژیدی موجود ما با استفاده ای مثبت از تجارب
گذشته و گذشته را برای انتقام نه، بلکی برای آموزش نقادانه ارزیابی کردن و فهمیدن که ما در چار راه این منطقه
جهان قرار داشته، موجب و محل اتصال جهان شده میتوانیم،
اولاً خود و فکر خود را تغییر دهیم.
از خود خواهی و مطلق العنانی، رهبر و زغیم شدن بگذریم و بدانیم اگر زمانی امریکا به افغانستان حضور نظامی
داشت در توافق ایران، روسها و چینایی ها بود و حال دیگر آنزمان و آمریکای یکه تاز وجود ندارد و نیست!
از جانب دیگر حضور نظامی فزیک، بقا و خروج غیر مسئولانه و بازگشت نظامی زمینی امریکا به افغانستان،
خطا ناروا و جنایتکارانه بود و هست!

دوم به عوض تمرکز به تحقق مقاصد و امیال محدود فکری، نظری و حزبی و تحمیل نوع نظام و اهداف دیگر قومی
و زبانی و سایر مسایلیکه در یک پروسه ملی تدوین قانون اساسی در مطابقت به ارزشهای اسلامی در چندین مرحله
به صورت متداول بعداً تسوید، فیصله و نهایی شود که حق هر هموطن ماست و درین راستا میشود تمام مسایلیکه
دردل تنگ ما وجود دارد، در وقت و زمانش بعداً مطرح و توافق متداول بشری حاص گردد و در موارد مسوده
الترناتیفی را برای ملت در وقت و زمانش پیشکش کرد ولی حال وظایف مقدماتی و آمادی برای ملت سالاری را ولو
تحت عدالت عمری اجرا کرد!

عدالت مطلق در دنیای ما وجود ندارد، باید به صورت نسبی و ملت سالاری و در چوکات ارزشهای اسلامی مانند
انتخاب اکثریت مطلق مردم ما تصمیم گرفته شود!

اما درین مرحله قبل از اینکه افکار، روایات و اندیشه های مختلف خود را به هر قیمت، یکه تاز و یا روش توتالیتیه
و یک حزبی عملی و تحمیل کرد باید اگر در حاکمیت ام اول تا مشروعیت لازم به عملی کردن همان افکار خود
متوسل شد که در این مورد ملت بلامنازع موافق هست!

من به تنازل در بقیه موارد متنازع فیها هم سفارش ندارم، ولی تا زمانیکه مشروعیت سیاسی لازم متداول را نه
گرفته ام، از تطبیق آن به زور وسایل دولتی باید امتناع کرد! تحصیل و کار زنان از همین جمله اند! از تطبیق مسایل
متنازع فیها باید تنازل موقت صورت گیرد ولی مانند برنامه برای شان میشود، مطرح باقی بماند! ممکن کمی متفاوت
هست ولی منطق مشابه دارد که حضرت عمر رض از تطبیق حد قطع ید برای یک سال منصرف شد!

اصل یک شهروند و یک رأی و حاکمیت قانون بر همه یکسان، الترناتیف خوبی دیگر با تمام کمی ها و کاستی هایش
ندارد! (تفصیل دارم)

داکتر صلاح الدین سعیدی

۲۰۲۵/۱۱/۲۳

۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸

ادامه دارد